

# ارتباطات؛ زبان زندگی

## چرخه بازار، اجتماع و خانواده

دکتر غلامحسن عبیری

### مقدمه

مطالعات Crompton در بریتانیای دهه ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که موفقیت‌های آموزشی دختران در تحصیل، اگرچه فرصت‌های جدیدی را پیش روی آنان می‌نهد، اما این پدیده به اشتغال‌های سطح بالا با دستمزدهای افسانه‌ای نمی‌انجامد. آنچه در کشورهای در حال توسعه، توجه را جلب می‌کند، پدیده "زبان زندگی" است که حوزه ارتباطات را به دو محدوده بازار و خانواده تقسیم می‌کند.

موضوعات مشابه نیز در سایر رفتارها قابل‌رویت است، از جمله بیماری مدرک‌گرایی (Diploma Disease) که در دهه ۱۹۷۰ در بریتانیا شایع می‌شود و منعکس‌کننده رفتار کارفرمایان در به‌کارگیری افراد با تحصیلات بالاتر در مشاغل با نیاز تحصیلی پایین می‌باشد (Dore - ۱۹۷۶)<sup>(۲)</sup>. ملاحظه می‌نمایید که چگونه رفتارها، دچار ناهنجاری شده و این پدیده رابطه نامطلوب موجود بین ارتباطات و هزینه‌های مرتبط با مساله را منعکس می‌سازد.

بین زبان محاوره، طبقه اجتماعی و ارتباطات شغلی، نوعی همگرایی و یکنواختی مشاهده می‌شود که منعکس‌کننده سهم هزینه آموزش همان طبقه است.

این بیماری با یک دهه تأخیر در جامعه ایران هم دیده می‌شود. به‌راستی طبقات اجتماعی با آگاهی از موضوع، ارتباطات خود را سازماندهی می‌کنند، یا ارتباطات به‌عنوان یک پارامتر، قربانی ناآگاهی از فرآیندهای رفتاری می‌شود؟ در هر دو صورت، هزینه‌های اجتماعی ارتباطات به شکلی پرداخت می‌شود و تمامی طبقات جامعه را دربرمی‌گیرد. برای مثال، مستخدم مدرسه‌ای که دارای دیپلم است، هزینه اجتماعی را به افراد با تحصیلات کمتر تحمیل می‌نماید. مشابه موضوع در کلیه سطوح قابل‌رویت است. آموزش، مردم را برای ورود به ساختار اقتصادی دانش‌محور (Knowledge-base Economy) آماده می‌سازد. اقتصاد خدماتی عصر فراصنعتی برای طبقات اجتماعی جایگاه حرفه‌ای را تعیین کرده و نابرابری‌های موجود در نظم جهانی را تشدید کرده است. در این ساختار، شکاف جنسی (Gender) کاهش یافته و زنان در برابر مردان از تبعیض کمتری رنج می‌برند (۱۹۹۹ - Arnot)<sup>(۳)</sup>. ارتباطات بین زنان و مردان بر مبنای آموزش‌های داده‌شده، در شرایط جدید قرار گرفته است. معلمان با شکست روبرو شده‌اند

ارتباطات، دنیای پیچیده زندگی افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها را شکل می‌دهد. طبقه‌بندی‌های مختلف رسمی و غیررسمی، شفاهی و کتبی، از جمله رایجترین شیوه‌های برخورد با موضوع ارتباطات است. فضای مسایل ارتباطات با ورود رسانه‌ها، ماهواره‌ها و اینترنت روزبه‌روز تغییر می‌کند و برای رسیدن به مفاهیم کلیدی ارتباطات، این واژه را در کنار "زبان زندگی" قرار داده، تا بهتر به الگوهای ارتباطی و اهمیت روابط بین آنها در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه شرایط ایران، پی ببریم. زندگی اجتماعی با زندگی خصوصی متفاوت است و زبان‌های (Languages) متفاوتی را به ما توصیه می‌کند. برای مثال، شما در محیط خانواده، رستوران یا فضای سبز، زبان‌هایی را به کار می‌گیرید که با زبان محیط کار، دانشگاه، بازار و همایش‌ها متفاوت است. ارتباطات در این ساختارها به زبان‌های مختلفی نیاز دارد که ما آن زبان را با زندگی اجتماعی خود گره می‌زنیم و در سطوح مختلف ارتباط ایجاد می‌کنیم. با بیانی ساده‌تر، ارتباطات، زبان زندگی ما را شکل می‌دهد. سینما زبان خودش را دارد و دانشگاه زبان مخصوص خود را ارایه می‌کند. به‌طور طبیعی محیط ارتباطی سینما با دانشگاه متفاوت است و زندگی یک هنرمند هم با زندگی یک مدرس متفاوت می‌باشد. بدین ترتیب، "چرخه ارتباطات" در محیط‌های مختلف، بهره‌وری متفاوتی دارد و نیازمند آموزش‌های ویژه خود است.

هدف از این نوشتار، نگرش اقتصادی به ارتباطات - زبان زندگی - در فرآیند چرخه حرکت انسان در محیط‌های مختلف، اجتماع، خانواده و بازار است. چه تغییرهایی در این حرکت نقش دارند؟ و در چه چارچوبی به ارزیابی باید پرداخت؟ چرا در مواردی این فرآیند به بهره‌وری منجر نمی‌شود؟ شکی نیست که پاسخ به این پرسش‌ها کار ساده‌ای نیست و پیش‌نیازهایی را می‌طلبد و ما تنها به اختصار به بررسی آن می‌پردازیم.

### طبقات اجتماعی

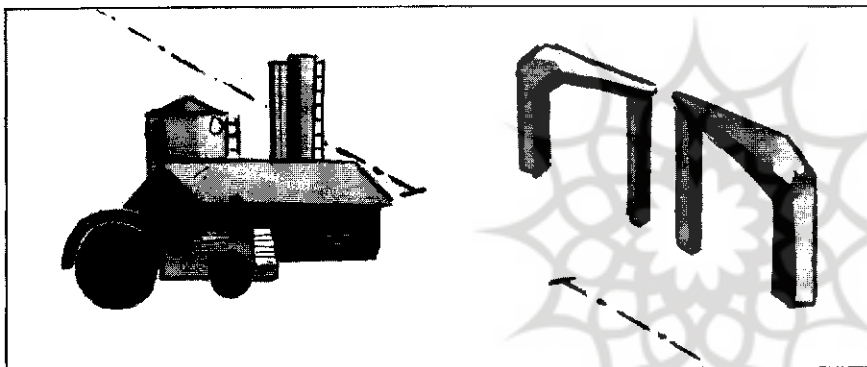
طبقات اجتماعی در رفتارهای اجتماعی ارجحیت‌های متفاوتی را مورد نظر قرار می‌دهند. برای مثال، زنان طبقات متوسط، به مشاغل حرفه‌ای بیشتر از مشاغل مدیریتی‌گرایش نشان می‌دهند، یا بخش قابل توجهی از زنان به کارهای پاره‌وقت و یا دستمزدهای پایین رغبت نشان می‌دهند<sup>(۱)</sup> (Crompton - ۱۹۹۵). هم چنین

قرار گرفته است؟ دنیای جدید ارتباطات، زبان محاوره‌ای نوینی را ارایه می‌کند، و معیارهای آن به سهولت در فرهنگ اجتماعی مردم مقبول نخواهد افتاد. این معضل، اتخاذ شیوه‌های مدیریت توسعه پیچیده‌ای را توصیه می‌کند.

در دهه ۱۹۹۰ آموزه‌های نوین پرسش جدیدی را پیش روی اندیشه‌ورزان علوم انسانی قرار داد: تربیت (Training) در نظریه‌ها یا آموزش (Education) در موضوع؟ (Lawlors - ۱۹۹۰)<sup>(۱۱)</sup>. ملاحظه می‌کنید که جایگاه قدرت و سیاست در آموزش، تحولات نوینی را در ارتباطات اجتماعی این دهه ایجاد می‌کند.

مشکلات تربیتی به تدریج فضای ارتباطی را مخدوش می‌سازد و زبان محاوره‌ای پاسخگویی یک زندگی مطلوب نیست. مدارج علمی با نشانه‌هایی از شکست روبرو می‌شوند. این موضوع را در سال ۲۰۰۰ Woodhead در مجله Sunday Times هشدار می‌دهد. این پدیده آغاز افول شایسته‌سالاری (Meritocracies) را به معرض نمایش می‌گذارد<sup>(۱۲)</sup>.

در حقیقت، زندگی اجتماعی زبان محاوره‌ای مناسبی را که بتواند تعادل عمومی را به تمامی ابعاد سیاسی - اقتصادی - فرهنگی تعمیم دهد، نیافته است؛ جوانان



▲ برقراری ارتباط بین آموزش و توسعه اقتصادی، می‌تواند الگوی رفتار انسان را در هزاره سوم اصلاح کند.

پرخاشگر می‌شوند، دانشجویان آموزه‌های دانشگاهی را کافی نمی‌دانند، زنان به گونه‌ای اعتراض‌آمیز عمل می‌کنند، والدین پاسخگویی فرزندان نیستند، مدیران به منظور رقابت‌پذیری بیشتر به هر تصمیمی تن می‌دهند، و دولت‌ها دیگر نماینده مردم نیستند. به عبارتی، نقش‌ها عوض می‌شود، در حالی که مشاغل ثابت هستند. روزبه‌روز آمار عدم تعادل‌های روحی، روانی و تربیتی بیشتر و بیشتر می‌شود و این موضوع جایگاه اجتماعی طبقات را بهم ریخته است. بازارهای قاچاق کالا، فروش کودکان، و ده‌ها بازار نامناسب مانند قمارخانه‌ها و سرمایه‌های بادآورده - بدون هیچ‌گونه نظارت مناسب از لحاظ پولشویی - تمامی مناسبات اجتماعی را بهم ریخته است. روزبه‌روز شخصیت‌های ناسالم، راه‌های نفوذ بیشتر در نظام‌های اجتماعی را جستجو می‌کنند و شایسته‌سالاری با تهدید جدی روبرو است.

در حقیقت، تمامی این فرآیند، نشاندهنده ظهور طبقات متوسط جدید در عصر ارتباطات فراصنعتی است. افزایش هزینه‌های آموزشی کماکان ادامه می‌یابد، در حالی که بازده سرمایه‌گذاری آموزشی در برخی بازارها قابل توجه نیست. در این میان، دانشگاه‌های توده‌گرا (Open Universities)، سردرگم، هدایت نیروهای انسانی را به منظور روبروایی با بحران‌های آموزشی دنبال می‌کنند. مردم به دنبال نخبگانند و برحسب عادت، در شرایط نامطلوب اطلاعات، تصمیم‌گیری‌های نامناسبی را پیش روی خود دارند، بدون آنکه نتایج را در دراز مدت

(Wragg - ۲۰۰۰)<sup>(۴)</sup>، مدارس می‌بایست بازسازی (Restructured) شوند، بحران محیط آموزش را فرا گرفته است (Boyson - ۱۹۷۵) و ارتباطات به سرعت ماهیت اطلاعاتی (Information Base) خود را بازیابی می‌کنند<sup>(۵)</sup>. مشابه این روند را در ایران هم شاهد هستیم.

آموزش‌های داده شده، تقاضای مردم را برای بهبود شرایط اجتماعی - اقتصادی افزایش داده، فضای رقابت‌پذیری تشدید شده و مقابله بین انحصار و رقابت به اوج خود رسیده است. ابعاد اقتصادی آموزش مرتباً گسترش می‌یابد (Woodward - ۱۹۹۷)<sup>(۶)</sup>، و موضوع ارتباطات حساستر می‌شود. طبقات اجتماعی متوسط در این میان از مزیت رقابتی برخوردار می‌شوند و مرتباً بر هزینه‌های آموزشی خود می‌افزایند.

طبقات اجتماعی، با زبان زندگی طبقه خود، ارتباطات را شکل می‌دهند و این زبان حتی برای مشاغل مختلف مسیر ارتباطی ویژه و سازگار با آن مجموعه را طی می‌کند. به عبارتی، بین زبان محاوره، طبقه اجتماعی و ارتباطات شغلی نوعی همگرایی و یکنواختی مشاهده می‌شود که منعکس‌کننده سهم هزینه آموزش همان طبقه است.

بدیهی است که عبور از طبقات اجتماعی، با مسایل پیچیده‌ای روبرو است و بدون آشنایی به زبان ارتباطی طبقات بالاتر (یا پایین‌تر)، نمی‌توان گذار ساده‌ای را انتظار داشت. شکی نیست که تنها زبان ارتباطی، مجوز ورود نمی‌باشد، اما زبان ارتباطی محیط را برای رقابت‌پذیری آماده می‌سازد. جهانی شدن اقتصاد، انعطاف‌پذیری را برای تغییر محیط تسهیل نموده است. اصل تقسیم کار نیز هدایت هزینه‌های آموزشی را به‌عهده گرفته است. مشاغل، شاخص‌های بهره‌وری معینی را تعریف می‌کنند و آموزش‌های استاندارد نیز دسترسی به سطح بهره‌وری را ممکن می‌سازند.

هزینه‌های آموزشی هم نوع ارتباط بین بازارها را در حرفه‌های مختلف تعیین می‌کنند.

### ظهور و افول شایسته‌سالاری

مطرح شدن ایده شایسته‌سالاری در سال‌های حدود ۱۹۵۸ (Young)<sup>(۷)</sup>، مزده ظهور یک نظام اجتماعی را به همراه داشت، به نحوی که در آن نظام حداکثر قدرت و بالاترین سطوح مشاغل اجتماعی به افرادی تعلق دارد که بیشترین توانایی را دارا هستند. در عمل، اقتصادهای آزاد با دولت‌های قدرتمند گره خورده‌اند (Gamble - ۱۹۸۸) و آموزش دموکراسی در مدارس، فضای ارتباط بین دولت و بازار را به چالش کشیده، و مشکلات شایسته‌سالاری بزودی خود را نشان می‌دهد (Goldthrope - ۱۹۹۷)<sup>(۸)</sup>. این وضعیت در حالی ایجاد می‌شود که رقابت‌پذیری، آینده اقتصاد مبتنی بر دانش را شکل می‌دهد (DTI - ۱۹۹۸)<sup>(۹)</sup>.

رویدادهای پیاپی و سریع، مشکلات جدیدی را پیش روی ما قرار می‌دهد و نوید ورود به عصر جدیدی را برای جوامع سنتی مطرح می‌سازد. ظهور و سقوط استانداردهای آموزشی موضوع ارایه شده به "کنفرانس استانداردهای حرفه‌ای" در دانشگاه Edith Cowan استرالیا، در سال ۱۹۹۸، هشدار جدیدی به نگرش‌های کلاسیک می‌باشد (Mahoney - ۱۹۹۸)<sup>(۱۰)</sup>. به‌راستی چه مسایلی پیش روی ما

حرفه‌ای، برای تربیت زبان ارتباطی ما، زندگی ما را به سوی ساخت طبقاتی مشخص و معینی هدایت می‌کنند. حال اگر کاستی‌ای در ماهیت آموزش مشاهده شود یا مدرسان در امر آموزش به گونه‌ای موفق عمل نکنند، آنگاه حوزه ارتباطی گرایش به فرصت‌طلبی، رانت‌خواری، انحصارگرایی و در نهایت استبداد خواهی را تقویت می‌کند. ملاحظه می‌کنید که به کارگیری صحیح دموکراسی در حوزه ارتباطات تا چه اندازه دشوار و نیازمند رعایت استانداردهای خاصی از سوی شهروندان است. همین امر ما را وامی‌دارد که ارتباطات را به عنوان "زبان زندگی" تبیین کنیم و مورد بهره‌برداری قرار دهیم. آموزش، به تقویت این زبان و در نهایت به بهبود ارتباطات کمک می‌کند. Boaler (۱۹۹۷) به تجربه آموزش ریاضیات در مدارس، به عنوان آموزش رویه‌ها و سبک‌ها در محیط بریتانیا اشاره دارد (۱۵). Thoronton و Dean (۲۰۰۰) به شدت توصیه می‌کنند که معلمان کارهای اجتماعی را با شدت و ظرافت بیشتری دنبال کنند (۱۶). حضور معلمان در جامعه، به ویژه در هدایت نظام ارتباطی جامعه بسیار با اهمیت است و آموزه‌های خوبی را برای دیگران به همراه دارد. غفلت از این فرصت، جبران‌ناپذیر است و فضای ارتباطات اجتماعی به تدریج مسموم می‌شود.

### چالش علم یا ثروت

Acherson (۱۹۹۸) در مجله Independent مقاله‌ای را ارائه می‌دهد که در آن به بلندپروازی‌های انسان در نظم نوین جهانی اشاره دارد و معتقد است که عمر این غرور و تکبر چندان طولانی نیست (۱۷). این غرور از کجا سرچشمه می‌گیرد: علمی که انسان بدان دست یافته یا ثروتی که انسان را اسیر خود کرده است؟ شاید هم هر دو؟ جایگاه تربیتی این بلندپروازی را در دو نهاد می‌توان جستجو کرد: علم در دانشگاه و ثروت در بازار.

جهانی‌شدن اقتصاد به تبع پیشرفت‌های فن‌آوری ارتباطات، زمینه ارتباط بین آموزش و توسعه اقتصادی را بیش از هر زمانی مورد توجه قرار داده است. این رابطه در حقیقت می‌خواهد الگوی رفتار انسان در هزاره سوم را با آموزش اصلاح نماید. اما مشکل، توجیه هزینه آموزش در این فرآیند است. طبیعی است که آموزش منجر به ایجاد درآمد در فرآیندهای ارتباطی می‌شود، اما ارزش افزوده این ارتباط جدید در چه مجاری‌ای توزیع می‌شود؟ و آیا افراد یا سازمان‌هایی که در این راستا منافعی را دریافت می‌کنند، حاضر به مشارکت در هزینه‌های آموزشی هستند؟ برعکس، بنگاه‌هایی که در این مسیر متضرر می‌شوند، آیا به طور غیرمستقیم از نظر مالی تأمین خواهند شد؟

در عمل، دستگاه‌های نظارت‌کننده می‌بایست بین دانشگاه و بازار تعادل ایجاد کنند. شرط ایجاد تعادل هم از میان برداشتن دیوار بی‌اعتمادی و ایجاد رابطه بین بازار و دانشگاه است. بازار به عنوان دریافت‌کننده خدمات، و دانشگاه به عنوان تولیدکننده خدمات می‌بایست در جریان قیمت‌گذاری خدمات، هزینه‌های سایه را هم لحاظ کنند. هر یک از این دو نهاد، از ترکیبی از سرمایه و نیروی انسانی بهره‌برداری می‌کنند، بدون آنکه تعادل‌های لازم را در جهت وحدت دو بازار - بازار علم و بازار کالاها و خدمات - فراهم سازند.

طبقه متوسط به‌عنوان بازیگر اصلی بین دو نهاد، نقش کلیدی را در ایجاد تعادل ایفا می‌کند. نیازهای طبقه متوسط، طی دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، از آموزش برای پذیرش نقش اساسی در بازار خدمات، به دلیل تغییرات وسیع فن‌آوری به کلی تغییر نموده و جایگاه این طبقه در رابطه مبادله علم و ثروت به نفع ثروت بهبود یافته است.

به درستی ارزیابی کنند. لذا آینده را در قضاو قدر خلاصه می‌کنند.

نظم نوین جهانی در آغاز راه قرار دارد و همه می‌بایست به هدایت صحیح آن کمک کنند. جهانی‌شدن اقتصاد، با تمامی موفقیت‌هایش، هنوز از لحاظ هموار کردن روابط کشورهای شمال و جنوب یا جوامع فقیر و غنی، در نیمه راه است و نمی‌توان با خیال راحت در انتظار یک معجزه نشست.

### دموکراسی، فرصتی در راه

دهه ۱۹۷۰ یادآور عدم دسترسی به آموزش برابر، برای جنسیت و طبقات اجتماعی مختلف بود. در دهه ۱۹۸۰، Simon به اصلاحات در آموزش توجه نمود (۱۳). دهه ۱۹۹۰ جهانی‌شدن رفتارهای چپ‌گرای طبقات اجتماعی را هدف قرار داد. در تمامی این مراحل، سرمایه‌داری چشم امید به دموکراسی دوخته است و دموکراسی، فرصتی در راه است. پنجاه درصد ساختارگرایی دموکراسی که نظام‌های پارلمانی است، حداقل از "نگاه آرایشی" شرایط استبدادزدایی را در خود نهفته است، اما با همه این تحولات، نظام‌های اجتماعی کشورهای در حال توسعه هنوز فاصله زیادی با آرمان‌های خود دارند.

Goddard (۲۰۰۰) دانشگاه‌ها را به چالش کشیده است و فرصت‌های نابرابر را برای ارتقای سرمایه‌های انسانی مطرح می‌سازد (۱۴). بنابراین، آموزش که می‌بایست دموکراسی را نهادینه‌سازی نماید، در عمل انحصارگرایی را آموزش می‌دهد. به عبارت دیگر، به طور غیرمستقیم مراکز آموزشی در خدمت ناهنجاری‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند. قانون‌گریزی، نمونه ساده‌ای از ناهنجاری‌های اجتماعی است که در حوزه اقتصاد نوین، هزینه شکستن قوانین را نیز در تحلیل روابط بین عرضه و تقاضا لحاظ می‌کند.

ارتباطات اگرچه از هوای تنفسی جامعه آزاد مبتنی بر دموکراسی استنشاز می‌کند، اما پیچیدگی زندگی انسان از یکسو و پیچیدگی ارتباطات از سوی دیگر نشان‌دهنده آنست که دموکراسی هنوز در این مسیر نقش اصلی خود را ایفا نکرده و انتظار می‌رود که دموکراسی به حل معضلات جامعه کمک کند.

### سرمایه‌داری چشم امید به دموکراسی دوخته است و دموکراسی هم فرصتی در راه است.

لابی‌های سیاست‌گذاری در زندگی اجتماعی دو نوع ارتباط مثبت و منفی را پیش روی انسان قرار داده است: ارتباطات مثبت که از حرکت لابی‌ها به سمت انحصارگرایی جلوگیری می‌کند، و ارتباطات منفی که در حمایت از جهت‌گیری‌های سیاسی به گرایش‌های استبدادی، نقش کلیدی را بازی می‌کند. دموکراسی در این میان می‌بایست ارتباطات را در یک شرایط رقابتی بهره‌ور سازد و محیط‌های ارتباطی مناسب شرایط اقتصادی را ایجاد کند. در واقع، دنیای اقتصادی پیش روی ما از مجموعه‌ای ارتباطات برخوردار است که آسیب‌پذیری آن از طریق روی آوردن به دموکراسی کاهش می‌یابد. این فرصت خوبی است که می‌توان از آن در جهت سازگاری محیط با دنیای آزاد بهره گرفت.

آموزش، زبان محاوره‌ای امروز ما را برای رویارویی با مشکلات، تقویت می‌کند و طبقات اجتماعی با توجه به رویکرد همان طبقه زبان محاوره‌ای خاص خود را نیاز دارند و آموزش در حل این مشکل باید پیشگام باشد. در حقیقت، آموزش‌های

## چرخه "باخ"

تحلیلی که در حوزه رفتار انسان تحت عنوان "ارتباطات، زبان زندگی" مطرح شد، محورهایی مانند طبقه متوسط، الگوهای آموزشی و هزینه‌های اقتصادی را در چرخه‌ای از بازار - اجتماع - خانواده (باخ) مورد توجه قرار می‌دهد. این چرخه می‌خواهد "چالش علم یا ثروت" را به نحوی مطلوب توضیح دهد.

مطلوب‌بودن چرخه "باخ" در امکان اثرگذاری چرخه بر بهره‌وری است. بهره‌وری حاصل در این چرخه از ارتباط بین بازارها و برمیانی رقابت‌پذیری و انتظارات بالا (High Expectation) حادث می‌شود.

بازار اثرگذار بازار آموزش است و آموزش، محصول عرضه‌شده و مورد تقاضای مصرف‌کننده در بازار است. خصوصی‌سازی آموزش جایگاه بازار را به عنوان موتور محرکه (لوکوموتیو) در راس امور قرار می‌دهد و طبقه متوسط - خانواده - نقش کلیدی این چرخه را به عنوان حلقه ارتباطی بین اجتماع و بازار عهده‌دار می‌شود. محیط هم هدایت‌کننده بازار آموزش است.

محیط تصمیم‌گیرنده مشخصه قدرت خرید - درآمد و ثروت - خانواده است، خانواده‌هایی که سرمایه انسانی را با هزینه آموزش و با انتظارات بالایی که دارند، به صورتی رقابت‌پذیر به کار می‌گیرند. محدودیت درآمد و ثروت در میان طبقه متوسط، همزمان با افزایش مستمر هزینه آموزش، دامنه رقابت‌پذیری را برای این افراد گسترده‌تر می‌سازد.

سطوح ارتباطی به ترتیب اجتماع، با هدف جایگاه طبقاتی؛ خانواده با انتظارات زیاد از موضع طبقاتی و بازار جهت تخصیص منابع، سه سطح ارتباطی مهم را در چرخه "باخ" نشان می‌دهند. متغیرهای اقتصادی چرخه "باخ" ریسک‌پذیری جامعه بست‌مدرن، درآمد و ثروت، هزینه آموزش، رقابت‌پذیری و بهره‌وری می‌باشد. این

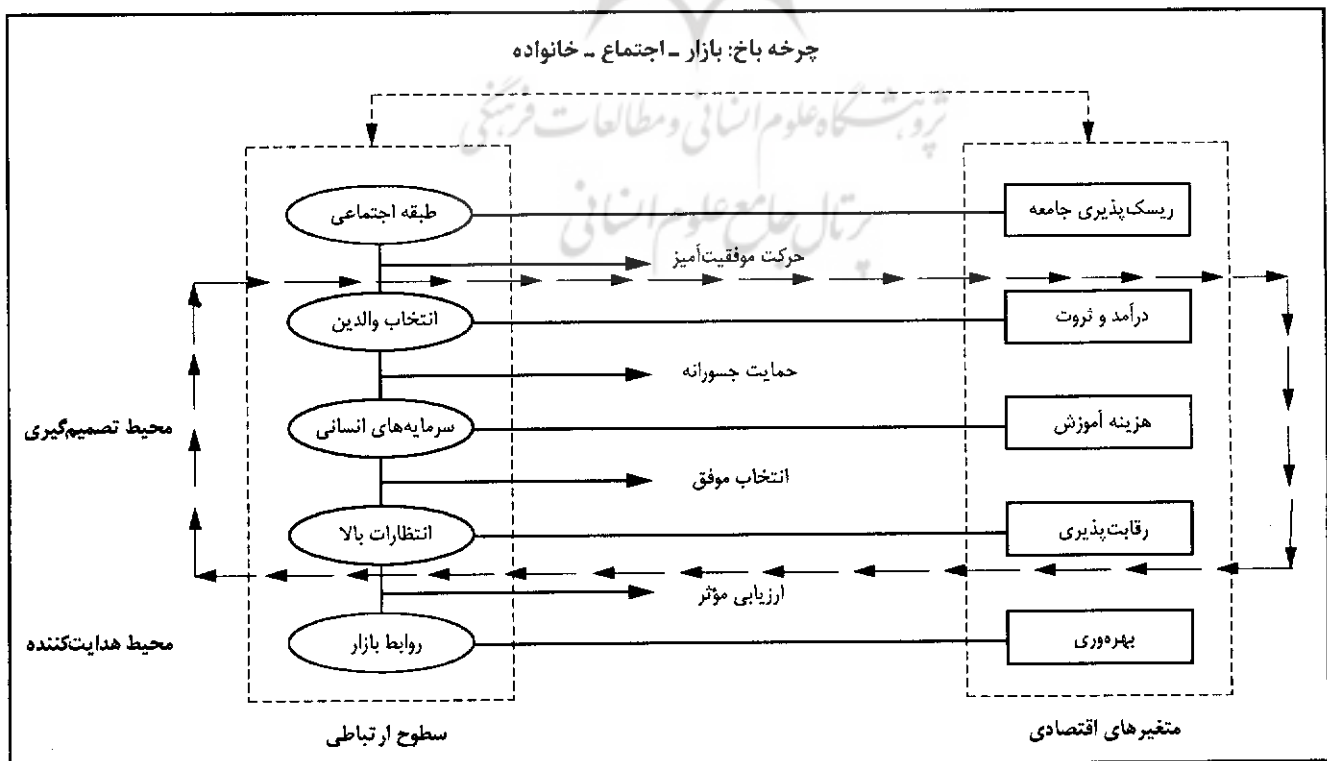
گرایش‌های کاربردی علوم، مناسبترین شاخص تغییر رابطه مبادله علم و ثروت را منعکس می‌سازد. گرایش موسسات تحقیقاتی به آموزش و تربیت محقق یکی دیگر از مظاهر تغییر نگرش در مسایل تولید علم به بازار است.

خصوصی‌سازی موسسات آموزشی و سهم این موسسات در تربیت کارشناسان حرفه‌ای خدمات نیز از طریق تجهیز وسایل کمک آموزشی و تأمین مالی به وسیله شهریه‌های سنگین، وظیفه موسسات آموزشی را در تربیت نیروی انسانی کارآمد رقابت‌پذیر نموده است. خصوصی‌سازی آموزش در کلیه مقاطع چالش‌های نظری را بین علم و ثروت در میان نخبگان علوم اجتماعی ایجاد کرده است، اما به منظور رقابت‌پذیری سرمایه‌های انسانی، چاره‌ای جز خصوصی‌سازی وجود ندارد، زیرا هزینه تربیت نیروی ماهر به شدت افزایش یافته و بازده سرمایه انسانی مرتباً افزایش می‌یابد.

در عمل، ریسک سرمایه‌گذاری طبقه متوسط در آموزش رو به افزایش است، اما فرهنگ طبقه متوسط محکوم به مقاومت و حفظ جایگاه اجتماعی خود می‌باشد. نظام سرمایه‌داری به وجود طبقه متوسط بین طبقه مرفه و کارگر نیاز دارد، اما روند خصوصی‌سازی، ثروت قابل توجهی از طبقه متوسط را با خطر و تهدید روبرو نموده است. طبقات کم‌درآمد اگرچه آموزش‌های اولیه را می‌بینند، اما برای عبور از یک طبقه، احتمال موفقیت اندکی دارند و آن هم از طریق به‌کارگیری استعدادهای نهفته میسر است.

ملاحظه می‌نمایید که طبیعت چالش علم و ثروت پس از جهانی شدن اقتصاد و خصوصی‌سازی نهادهای آموزشی، به منظور به‌کارگیری رقابت‌پذیری در امر توسعه، بیش از هر زمان تعادل عمومی بین طبقات را تحت تأثیر قرار داده و نمادهای ظهور طبقه متوسط جدید دیده می‌شود.

## چرخه باخ: بازار - اجتماع - خانواده



امر خصوصی سازی آموزش حکم می کند که به منظور ارتقای بهره‌وری، از ارتباطات به عنوان زبان یک زندگی مدرن به درستی استفاده شود. طبقه متوسط با مجهز شدن به زبان زندگی مدرن، ارتباطات را در جهت فضاسازی برای رقابت پذیری به درستی به کار گرفته، روند اصلاحات در جهت دستیابی به توسعه تسهیل خواهد شد. ■

### منابع

- 1) Crompton, R. / 1995 / Women's Employment and the Middle Class / in T. Butler & M. Savage (eds) / Social Change & The Middle Class / London: UCL.
- 2) Dore, R. / 1976 / The Diploma Disease / London: Allen & Unwin.
- 3) Arnot, M., David, M. & Weiner G. / 1999 / Closing the Gender Gap / Cambridge: Polity.
- 4) Wragg, E.C., Haynes, G.S., Wragg, C.M. & Chamberlin, R.P. / 2000 / Failing Teachers / London: Routledge.
- 5) Boyson, R. / 1975 / The Crisis in Education / London: Woburn Press.
- 6) Woodward, D. / 1997 / Economic Dimensions of Education and the Role of the World Bank / Paper to NGO Economic Forum / London / October.
- 7) Young, M. / 1958 / The Rise of the Meritocracy / Harmondsworth: Penguin.
- 8) Goldthorpe, J. / 1997 / Problems of Meritocracy / in A.H. Halsey, H. Lauder, P. Brown & A.S. Wells (eds) Education, Culture, Economy & Society / Oxford: Oxford University Press.
- 9) DTI / 1998 / Our Competitive Future: Building a Knowledge - based Economy / London: The Stationary Office.
- 10) Mahoney, P. / 1998 / The Rise and Fall of Standards of Teaching / Paper Presented to the Professional Standards Conference / Edith Cowan University / Perth / Australia / 24. Feb.
- 11) Lawfore, S. / 1996 / Teachers Mistaught: Training in Theories or Education in Subject? / London: Center for Policy Studies.
- 12) Woodhead, C. / 2000 / Degrees with a Mark of Failure / Sunday Times / News Reviews / 13 Augst.
- 13) Simon, B. / 1988 / Bending the Rules: The Baker 'reform' of Education / London: Lawrence & Wishart.
- 14) Goddard, A. / 2000 / Unequal Opportunities: A University Challenge / Times Higher Education Supplement / 10 March.
- 15) Boaler, J. / 1997 / Experiencing School Mathematics: Teaching Styles, Sex and Setting / Buckingham: Open University Press.
- 16) Dean, C., and Thornton, K. / 2000 / Teachers Forced to do too much Social Work / Times Educational Supplement / 16 June.
- 17) Acherson, N. / 1998 / We Live under the most Arrogant of World Orders, but it will not Last / Independent on Sunday 25, January.
- 18) Giddens, A. / 1998 / Risk Society, the Context of British Politics / in J. Franklin (ed.) / The Politics of the Risk Society / Cambridge: Polity.
- 19) Galbraith, J. / 1992 / The Culture of Contenment / London: Sinclair - Stevenson.

متغیرها ضمن سازگاری با یکدیگر، رسالت (Mission) خاص یک طبقه جدید را به معرض نمایش می گذارند.

حرکت موفقیت آمیز (Successful Start) مدیون ریسک پذیری طبقه متوسط است. این طبقه تکنوکرات حلقه ارتباط طبقه کارگر و سرمایه دار است. حمایت اصلی از سوی خانواده با پشتوانه مالی صورت می گیرد. انتخاب موفق، رابطه سرمایه انسانی با هزینه آموزش است. در نهایت ارزیابی موثر در سایه انتظارات از رقابت پذیری در این فرآیند، در گروه بهره‌وری است.

نمودار ترسیم شده، ساخت چرخه "باخ" را به خوبی منعکس می سازد. خطوط نقطه چین به منظور جداسازی سطوح ارتباطی یا به عبارتی "ارتباطات، زبان زندگی" یک طبقه جدید را که در حال شکل گیری است، نشان می دهند. متغیرهای اقتصادی نیز به طور مجزا، نشان دهنده سازگاری و مکمل بودن متغیرها در حوزه مدیریت اقتصادی می باشند.

هرگونه بی نظمی (Noise) در میان هر بخش، منجر به کاهش بهره‌وری آموزش و ناکارآمدی بازار آموزش می شود. این کاستی، تهدیدی جدی برای طبقه متوسط در نظم کلان جامعه به شمار می رود.

ن تلاش برای نمایش چرخه "باخ" نشانه اهمیت رابطه بین بازار - اجتماع - خانواده از دیدگاه اقتصادی و ارایه متغیرهای اقتصادی درگیر با موضوع است. این مدل در شرایطی که آموزش مسیر خصوصی سازی را طی می کند، روابط منطقی را بین آنچه پیش روی ما قرار دارد، به نحوی گویا نمایش می دهد. در واقع، محیط تصمیم گیری خانواده، متاثر از محیط هدایت کننده - بازار - و جایگاه طبقاتی خانواده - اجتماع - است و به کنش و واکنش خود ادامه می دهد. از سوی دیگر، بازار و اجتماع موظفاند که برای دستیابی به حداکثر بهره‌وری، شرایط مناسب را برای محیط تصمیم گیری خانواده ایجاد نمایند. جداسازی متغیرهای اقتصادی از سطوح ارتباطی نیز به منظور شناخت نقش عوامل اقتصادی در هر یک از سطوح اقتصادی و نهایتاً نقش محیط های مختلف در تاثیرگذاری بر دیگری است.

### سیاست گذاری

در مسیر تحولات فن آوری ارتباطات، طبقه متوسط جدیدی در ایران در حال شکل گیری است، که زبان زندگی خاصی دارد. برای پذیرش فرهنگ نوین باید تلاش هایی صورت گیرد تا هزینه بالای آموزش را پوشش دهد. نرخ بازگشت این سرمایه گذاری، که با پشتوانه خانواده صورت می گیرد، می بایست با افزایش بهره‌وری بازار خدمات مدرن برابری کند. مدرک گرایی، با مرگ خانواده هایی همراه است که طبقه اجتماعی آنان مورد تهدید است و هماهنگی بین سطوح ارتباطی را مخدوش می سازد. ساختار اقتصاد دانش محور، باید در جهت کاهش تبعیض و مقابله با بحران آموزشی، شرایط رقابت پذیری را در طبقه متوسط جدید نهادینه نماید. مشکلات شایسته سالاری، نظام اجتماعی را تهدید می کند، اجتماعی که در مسیر ارتقای سرمایه های انسانی گرفتار آمده است. نگرش جامع به ساختار ارتباطات می تواند چالش میان دانشگاه و بازار را، در جهت تقویت رابطه علم و ثروت، از میان بردارد. جهت گیری های سیاسی در زمینه تقویت رابطه مدرسان با جامعه در این میان فرصت مناسبی است که نباید از آن غفلت ورزید.